

## عنوان مقاله:

رویکرد انتقادی بر نظریه «خلق از عدم» حکمت متعالیه

## محل انتشار:

فصلنامه پژوهش های فلسفی، دوره 16، شماره 40 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

## نویسندگان:

حسین وهاب پور - دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

سید ابراهیم آقازاده - استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

توکل کوهی گیگلو - استادیار گروه معارف اسلامی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران

## خلاصه مقاله:

مسئله آفرینش از مسائل غامض و اسرار جهان هستی است. به تبع آن نظریه «خلق از عدم» یکی از چالش های فلاسفه و متکلمان در همه اعصار بوده است. تفسیرها و تبیین های متعددی در این خصوص ارائه شده است که هر کدام از آنها با ابهامات و کاستی هایی مواجه هستند. سیستم فلسفی حکمت متعالیه هم به نوبه خود دارای مسائل و مشکلاتی است که نیازمند به پژوهش و تحقیق جامعی می باشد. لذا بسیاری از پیروان صدیق حکمت متعالیه در عین پذیرش آن، از طرح انتقاد از آراء صدرالمتالهین خودداری ننموده اند. حدوث مبنای نظریه «خلق از عدم» است ملاصدرا حدوث را بوسیله حرکت جوهری اثبات می کند. نتایج حرکت جوهری علاوه برآنکه با نصوص دینی همخوانی ندارند؛ ملاصدرا آیات قرآنی را تحت تاثیر حرکت جوهری بر خلاف معانی ظاهری آیات تفسیر کرده است. در ناحیه دلایل نیز با انتقادات جدی مواجه است. از جمله: نارسا و ناتمام بودن استدلال های ارائه شده و نیاز به ارائه دلیل شفاف و جامع و مانع در اثبات نظریه حرکت جوهری است و به نظر می رسد اشکالات وارد بر دلایل اثبات نظریه حرکت جوهری مورد پذیرش معتقدان این نظریه بوده است تا جایی که بزرگانی همچون علامه طباطبایی ضمن پذیرش اشکالات وارده خود به اقامه استدلال در این مقام پرداخته اند. این نظریه با توجه به چالشها و اشکالاتی که مطرح است. التزام به درستی آن و پذیرش آن را مشکل و با تردیدهای جدی مواجه ساخته است.

## کلمات کلیدی:

خلق از عدم، حکمت متعالیه، من لاشیی، حدوث، حرکت جوهری

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1585264>

